

## سنجش رابطه‌ی هویت دینی و ملی دانش‌آموزان نوجوان ایران با نگرش آنان به جهانی شدن<sup>۱</sup>

دکتر حسین لطف‌آبادی<sup>۲</sup>

سرکار خانم وحیده نوروزی<sup>۳</sup>

### چکیده

فرآیند و طرح جهانی شدن، با فراگیر کردن فرهنگ خاص آنگلو-امریکن در گوشه و کنار جهان، چالش روان‌شناختی بی‌سابقه‌ای را برای هویت مردمان غیرغربی ایجاد کرده است. چالش‌های اجتماعی و روان‌شناختی مذکور موجب شده است که گروهی از نوجوانان و جوانان کشور ما نیز بر سر دوراهی انتخاب بین سنن کهن فرهنگی و تجددطلبی مدرن سرگردان شوند و درجاتی از بحران هویت را تجربه کنند. به همین دلیل، بررسی چگونگی نگرش نوجوانان و جوانان کشور به پدیده‌ی جهانی شدن و جهانی‌سازی و رابطه‌ی این مسئله با هویت دینی و ملی آنان حایز اهمیت اساسی است؛ از این رو ما مقیاس‌های هویت دینی، هویت ملی، و نگرش به جهانی شدن را ساخته و در مورد دانش‌آموزان نوجوان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی اجرا کرده‌ایم. مطالعات تعیین‌روایی عاملی و پایایی ابزار تحقیق نیز، پس از جمع‌آوری داده‌ها از یک نمونه‌ی ۴۸۰۰ نفری از کل کشور برای مقیاس‌ها و خرده‌مقیاس‌های هویت دینی، هویت ملی، و نگرش به جهانی شدن انجام گرفته است. واژه‌های کلیدی: هویت، جهانی شدن، مقیاس‌های هویت، هویت دینی، هویت ملی، دانش‌آموزان نوجوان.

۱. این مقاله برگرفته از بخشی از نتایج پژوهشی است که با عنوان «بررسی تأثیر نحوه‌ی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان» اجرا شده است.
۲. استاد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی
۳. پژوهشگر و کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

### جهانی شدن و چالش روان‌شناختی در هویت نوجوانان و جوانان

در چند دهه‌ی اخیر شاهد هستیم که فرآیند و طرح جهانی شدن، با فراگیر کردن فرهنگ خاص آنگلو-آمریکن در گوشه و کنار جهان، عرصه را بر فرهنگ‌های دیگر و بر هویت مردمان متفاوت با فرهنگ مذکور، تنگ‌تر و تنگ‌تر نموده، از این طریق، چالش روان‌شناختی بی‌سابقه‌ای را برای هویت مردمان غیرغربی ایجاد کرده است. این دشواری هویت‌یابی برای نوجوانان و جوانان کشورهای غیرغربی، خاصه آنان که متعلق به طبقات نسبتاً سنتی جامعه هستند و در مدرسه و دانشگاه با مظاهر گوناگون جهانی شدن مواجه می‌شوند و یا با سبک زندگی و یا رسانه‌های گروهی غربی در ارتباط هستند، بیشتر است (کارنوی،<sup>۱</sup> ۱۹۹۹).

واقعیت دیگر این است که تحولات سیاسی-اجتماعی قرن اخیر نیز، همانند تغییرات اقتصادی، فرهنگی و علمی در این قرن، در طول تاریخ بشر نظیری ندارد. این تحولات، زندگی جوانان جهان را نیز به کلی دگرگون کرده است. بزرگ‌ترین انقلاب‌ها و جنگ‌های بشری در عصر ما رخ داده است و جوانان نیروی اصلی آنها بوده‌اند. با مروری بر تحولاتی که در این قرن در روسیه و چین و آلمان و بسیاری از کشورهای دیگر رخ داده است، اهمیت تأثیر تغییرات اجتماعی-سیاسی در زندگی جوانان روشن می‌شود. تغییرات فرهنگی نیز، چه در آموزش و پرورش و آموزش عالی و حوزه‌ی هنر و ادبیات و چه در حوزه‌ی رسانه‌های گروهی، زندگی نوجوانان و جوانان را دچار تغییرات اساسی کرده است.

چالش‌های اجتماعی و روان‌شناختی مذکور موجب شده است که نوجوانان و جوانان کشور ما نیز بر سر دوراهی سنن کهن فرهنگی و تجددطلبی مدرن سرگردان شوند و درجاتی از بحران هویت را تجربه کنند. درحالی‌که مسئله‌ی اساسی هویت‌یابی در بین نوجوانان غربی، به هویت جنسی، خانوادگی، روابط فردی، و شغلی آنان مربوط می‌شود (برک، ۲۰۰۳)، ما در کشور خود و در بین گروه بزرگی از نوجوانان و جوانان، علاوه بر موارد مذکور، با مشکل کم‌رشدی در هویت دینی و ملی نیز مواجه هستیم. آنچه در بین نوجوانان و جوانان، خاصه تحصیل‌کردگان آنان، دیده می‌شود آن است که بسیاری از آنان با این سؤال مواجه هستند که چه مقدار از سنن دینی و ملی را باید

محفوظ نگه داشت و تا چه اندازه باید با تحولات جهانی همراه شد. این مسئله نخبگان و اندیشمندان ما را نیز در مقابل این سؤال قرار داده است که برای محافظت از ریشه‌های تاریخی و فرهنگی و هویت دینی و ملی نوجوانان و جوانان چه باید کرد و کدام ترکیب از سنن دیرین با نوآوری‌های معاصر را باید پذیرفت.

شخصیت نیرومند دینی و صفت ایران‌دوستی، در شمار ویژگی‌های اصلی و مورد انتظار عموم مردم کشور ما در طول تاریخمان بوده است. ما مردمی هستیم که از تولد تا مرگ با کلام مقدس «لااله الاالله» و با وحی الهی، گوش جانمان نوازش و دل‌هایمان آرامش یافته است. ما مردمی هستیم که سخن حکیم بزرگ، فردوسی طوسی، را در جان و دل خود نقش کرده‌ایم و بارها و بارها گفته‌ایم که «چو ایران نباشد تن من مباد» و، در عین حال، گروهی از ما در قرن اخیر دچار «فرنگی‌مآبی» و «غرب‌زدگی» نیز شده و هویت دینی و ملی خود را تضعیف کرده‌ایم؛ و امروز نیز، پدیده‌ی سهمگین «جهانی شدن» موجب شکل‌گیری احساس چندپارگی و گم‌گشتگی و بی‌ثباتی در میان گروه‌هایی از مردم ایران، خاصه نوجوانان و جوانان شده و مشکلی را به وجود آورده است که آن را «کم‌رشدی هویت دینی و ملی» می‌نامیم.

مطالعات ما نشان می‌دهد که در برخی جوانب هویت، از جمله در هویت فرهنگی و اجتماعی، که هویت ملی نیز زیرمجموعه‌ی آن است، دو سوم از نوجوانان و جوانان ایران دچار کمبودهای جدی هستند و زمینه‌های لازم برای عدم تعهد، و حتی بحران هویت، اقلاً در میان یک سوم از آنان وجود دارد (لطف آبادی، ۱۳۸۳). مطابق این مطالعات، فقط ۳۳٪ از نوجوانان و جوانان ایران به مرحله‌ی پیشرفت و دستیابی در هویت اجتماعی و مدنی رسیده‌اند و بقیه در تعلیق و توقّف و اغتشاش هویت گرفتارند (جدول ۱).

جدول ۱- وضعیت هویت اجتماعی و مدنی نوجوانان و جوانان کشور

دست‌یابی هویت	تعلیق هویت	توقّف هویت	اغتشاش هویت
۳۳٪	۲۵٪	۲۵٪	۱۷٪

از سوی دیگر، مطالعات پیشین ما (لطف آبادی، ۱۳۸۲) نشان می‌دهد که در موضوع نگرش به غرب و جهانی شدن، اولاً ۲۷٪ از نوجوانان و جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله به غرب گرایش دارند و ثانیاً، تفکر بسیاری از آنان در مسائل مختلف مربوط به جهان غرب و

فرهنگ غرب از انسجام و پختگی لازم برخوردار نیست. به بیان دیگر، در حدود نیمی از نوجوانان و جوانان کل کشور، مستقیم و غیرمستقیم، گرایش‌های غربی دارند. برخی از آنان (حدود ۲۷٪) دچار اغتشاش و عدم انسجام فکری در مسائل مربوط به هجوم فرهنگی جهان غرب هستند. مطالعات ما نشان می‌دهد که فهم بسیاری از نوجوانان و جوانان کل کشور از جوامع و فرهنگ غربی، فهم پخته و رشد یافته و همه‌جانبه‌ای نیست. در فهم مسئله‌ی جهانی شدن نیز نوجوانان و جوانان کل کشور، عموماً دچار عدم انسجام فکری هستند و به درستی نمی‌دانند که جنبه‌های مختلف این مسئله چیست، هر یک از جوانب سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آن چه اهدافی را دنبال می‌کند و چه عواقبی را برای کشور ما و سایر کشورهای مسلمان به بار می‌آورد. این سردرگمی و عدم انسجام فکری در مسئله‌ای که چالشی اساسی در عصر حاضر است، حاکی از همان «کم‌رشدی هویت اجتماعی» است که شکل دیگری از آن را در جدول بالا ملاحظه کرده‌ایم.

یافته‌های پژوهشی ما حاکی از آن است که اکثر نوجوانان و جوانان ایران در زمینه‌ی اعتقادات دینی و ایران‌دوستی واکنش بسیار مثبت و امیدوارکننده‌ای نشان می‌دهند، اما در نمودهای عملی و عینی هویت دینی و ملی دچار ضعف‌های جدی‌اند؛ مثلاً ایران‌دوستی در جوهر خود به معنای کوشش خستگی‌ناپذیر برای خدمت به کشور و احساس مسئولیت عمیق و عملی در تعهد به نظم و قانون و عدالت، برای بهبود زندگی بهداشتی و اجتماعی و اقتصادی خود و سایر مردم است، اما گروه‌های وسیعی از نوجوانان و جوانان، که در جنبه‌ی نظری دارای هویت کم دینی و ملی هستند، در عمل گرفتار سردرگمی و توقف و تعلیق هویت‌اند و تعهد عملی لازم را نسبت به مقتضیات حقیقی ایران‌دوستی از خود نشان نمی‌دهند. این ضعف تعهد و مسئولیت نسبت به مصالح عمومی و ملی، در جوانی و بزرگسالی نیز باقی است و نتیجه‌ی آن را در مناسبات اجتماعی و اقتصادی مردم با یکدیگر شاهدیم.

### هویت و فرهنگ کلاسیک ایرانی

از مطالعات ما برمی‌آید که مردم در برخورد با مسئله‌ی جهانی شدن و نفوذ فرهنگ غربی، هویت فرهنگی و دینی و ملی خود را دست‌کم به سه صورت بروز می‌دهند: اولین واکنش مردم آن است که خود را به گذشته‌ی تاریخی خویش نزدیک‌تر و در برابر نفوذ فرهنگ بیگانه مقاومت کنند.

واکنش دیگر آن است که گروهی از مردم به گذشته‌ی خود توجهی نمی‌کنند و در فکر آن‌اند که پدیده‌ی مسلط فرهنگی و اجتماعی کدام است و چگونه می‌توان آینده‌ی خود را، در ورای فرهنگ سنتی و کهن، با مقتضیات جهان معاصر و نوجویی ناشی از آن سازمان داد.

در واکنش سوم، گروهی از مردم در پی پیوند زدن گذشته به حال و آینده و بنا کردن عناصر مثبت و درست فرهنگ و تمدن معاصر بر ریشه‌های تاریخی و دینی و ملی خود هستند. در میان دولت‌مردان و نخبگان نیز همین سه واکنش را می‌توان دید. مشابه این واکنش‌ها را به صورت‌های مختلف در قرن اخیر شاهد بوده‌ایم.

نگاهی به تاریخ صد ساله‌ی اخیر کشور، نشان می‌دهد که در ابتدای قرن و پس از مشروطیت، گروهی معتقد بودند که «ما باید از سر تا پا فرنگی شویم». اشخاصی چون تقی‌زاده و میرزافتحعلی‌خان آخوندزاده در شمار این گروه‌اند (پورزکی، ۱۳۷۹).

گروهی دیگر در پی آن بودند که ایرانیان را به هویت ملی قبل از اسلامی شدن برگردانند و همه‌ی اقوام و گروه‌های اجتماعی را ذیل مفهوم «هویت خالص ایرانی» یکپارچه نمایند. اشخاصی مثل کسروی را، که هم با فرهنگ اسلامی و هم با فرهنگ غربی مخالف بود، می‌توان از این افراد به حساب آورد (معظم‌پور، ۱۳۸۰). گروهی دیگر که خاصه در نیم قرن قبل از انقلاب اسلامی شاهد کوشش‌های آنان بوده‌ایم، سعی کردند عنصر فرهنگ و تمدن غربی را وارد هویت کهن ایرانی کنند و هویت جدیدی را که (نیمی باستانی و نیمی غربی بود) برای مردم الگوسازی نمایند (خواججه‌سروی، ۱۳۸۰). انقلاب اسلامی به این کوشش‌ها در هویت‌سازی ایرانیان پایان داد و در پی آن برآمد که هویت دینی اسلامی را در محور هویت ایرانی قرار دهد. این کوشش به تدریج تحولاتی پیدا کرد و اکنون شاهد آن هستیم که وحدت هویت دینی و ملی، راه و رسم پذیرفته‌شده‌ی اصیل زندگی ایرانی، در میان گروه‌های وسیعی از مردم است. بر چنین اساسی، نظام جهانی‌سازی در تقابل با وحدت هویت دینی و ملی ایرانیان است و به همین دلیل هجوم فرهنگی خود را به شکل‌های مختلف بر کشور ما تحمیل می‌کند. تخریب هویت دینی و ملی نوجوانان و جوانان توسط مهاجمین مذکور نیز بخشی از همین تقابل است.

نوجوانان و جوانان کنونی ایران، فرزندان رشدیافته در فضای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی هستند و در این سه دهه نوعی از زندگی فرهنگی، اجتماعی و

سیاسی را تجربه می‌کنند که در تاریخ ایران سابقه نداشته است. تلاطم‌های انقلاب و به‌خصوص دگرگونی‌های بزرگ سیاسی - اجتماعی دهه‌ی اول آن، شرایط دشوار جنگ تحمیلی، تبلیغات گسترده‌ی عقیدتی - سیاسی در مدارس و رسانه‌های گروهی و در همه جای جامعه و فضای خاص زندگی سنتی اسلامی که نسبت به دوران پیش از انقلاب از شدت و گستردگی بی‌مانندی برخوردار بود، افزایش یک‌باره‌ی جمعیت و انباشته شدن شهرها و روستاها از کودکان و نوجوانان، چند برابر شدن جمعیت شهرهای بزرگ، تغییرات فراوان و غالباً منفی در محیط زیست، تفاوت‌های فکری - روانی نسل گذشته با انتظارات اجتماعی - سیاسی نسل کنونی، جابه‌جا شدن گروه‌های اجتماعی مسلط، آزادتر شدن فضای زندگی اجتماعی و محیط شفاف‌تر سیاسی در سال‌های اخیر، و ده‌ها تغییرات بزرگ دیگر، فضاهای متفاوتی را در کشور به وجود آورده و آشکارتر شدن خط‌مشی‌ها و هدف‌های گروه‌بندی‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی، تأثیرات عمیق خود را بر نوجوانان و جوانان گذاشته است.

تغییرات بزرگ اجتماعی و سیاسی در کشور از آغاز انقلاب تا کنون، ادامه‌ی تحولات اجتماعی و سیاسی صدساله‌ی اخیر میهن است که تأثیر انکارناپذیر خود را بر چند نسل اخیر به جای گذاشته است. محور اساسی این تحولات عبارت است از کنار گذاشتن مناسبات و فرهنگ چند هزارساله‌ی پادشاهی - سنتی - ایرانی، که ویژگی عمده‌ی آن از اوایل مشروطیت تا مرداد ۱۳۳۲ سلطه‌گری قدرت‌های اقتصادی فئودالی و وابستگی بزرگان آنان به انگلیس بود. این تحولات در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷، روی هم رفته، ویژگی شاهنشاهی - ایرانی - آمریکایی پیدا کرده و حاکمیت جدیدی را به وجود آورده بود که عمدتاً وابسته به غرب، خاصه آمریکا، بود.

در دوره‌ی انقلاب اسلامی، ویژگی اساسی آن روی آوردن به فرهنگ هزاروسیصدساله‌ی اسلامی است که ابتدا در پی استقلال ایران در چارچوب اسلام سنتی بود و به تدریج درصدد بر آمد که اصول و محکومات اسلامی را با توجه به هویت ملی ایرانی و متناسب با مقتضیات زندگی در عصر کنونی و در جهان معاصر به کار گیرد. به این ترتیب، نوجوانان و جوانان و بزرگسالان ایران چهار نوع مناسبات و فرهنگ رسمی حکومتی را در قرن اخیر تجربه کرده‌اند (فرهنگ پادشاهی - سنتی - انگلیسی، فرهنگ شاهنشاهی - ایرانی - آمریکایی، فرهنگ اسلامی - سنتی، و فرهنگ اسلامی - ایرانی) و در این میان، پنجمین فرهنگ، که فرهنگ کلاسیک غیررسمی و غیرحکومتی

چند هزارساله‌ی ایرانی است و مشخصه‌ی اصلی آن اصولی‌نگری دینی و ملی، خردورزی، اخلاق‌گرایی و اتکا به زبان و ادب و عرفان و هنر ایرانی است، در تمام این سال‌ها با فاصله‌ی معینی از خواسته‌های رسمی دولت‌ها، به حیات و رشد تدریجی خود ادامه داده است و ناخودآگاه جمع‌ی روح ایرانی و نیروی محرکه‌ی پنهان روانی ایرانیان نیز بوده و هست.

این فرهنگ کلاسیک که اساساً بر راه و رسم زندگی و زبان و اخلاق ایرانی، محک‌های دینی خاصه محکمات قرآن کریم، معارف و سنن زندگی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام و عرفان و اندیشه و هنر ایرانی استوار است، هر جا که لازم بوده سر به زیر کشیده و از جلوه‌گری آشکار پرهیز کرده است تا از طوفان‌های سهمگین هجوم‌های گوناگون جان سالم به در برد و هر جا که موقعیت را مناسب دیده، در خرد و عشق و عرفان و هدایتگری مردان و زنان فرهیخته و در کشش و کوشش غیرتمندانه‌ی جوانان خویش، نمود آشکارتری یافته است تا دوام و پویایی خود را شدت بخشد.

همین فرهنگ صیقل خورده‌ی کلاسیک است که سرالاسرار جاودانگی و سرفرازی ایران و ایرانی است و همین فرهنگ، مخصوصاً اگر مورد توجه جدی حاکمیت‌های ملی نیز قرار گیرد، می‌تواند به عنوان بدیلی بی‌همتا و زندگی‌ساز برای جوانان کشور در فضای هجوم جهانی‌سازی معاصر سر برافرازد و بقا و رشد و پیشرفت ایران و ایرانیان را تضمین نماید. در واقع، اگر برنامه‌های رشد و پرورش نوجوانان و جوانان کشور بر زمینه‌ی این فرهنگ طراحی و اجرا شود، حل مشکلات موجود نیز میسر خواهد شد (لطف‌آبادی، ۱۳۸۰، ص ۴۵-۴۷).

همین نگرش به هویت ملی و دینی است که نظریه‌ی زمینه‌ساز این مقاله در موضوع سنجش هویت دینی و ملی نوجوانان و جوانان ایران و بررسی نگرش آنان به مقوله‌ی جهانی شدن است. حفاظت از فرهنگ دینی و ملی مان اقتضا می‌کند که نسبت به پدیده‌ی جهانی شدن نیز حساسیت لازم را نشان دهیم.

### جهانی شدن و آموزش و پرورش

در مباحث علوم انسانی، مقوله‌ی جهانی شدن از یک دهه پیش بر سر زبان‌ها افتاده است و مقوله‌ی جهانی شدن و تعلیم و تربیت جوانان، به‌خصوص پس از فروپاشی بلوک شرق

سابق، با آثار ادواردز و آشر<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) و گرین<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) در معرض گفت‌وگوی متخصصان قرار گرفته است. جهانی شدن، پدیده‌ای که امروز بسیاری از مردم کمابیش با آن آشنا هستند، تغییرات همه‌جانبه‌ای را، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی، در زندگی انسان‌ها ایجاد کرده است. معنای این پدیده، برحسب آن‌که از چه زاویه‌ای به آن نگاه کنیم متفاوت خواهد بود.

این پدیده را می‌توانیم با مفاهیم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به بحث بگذاریم. در مقوله‌ی فرهنگی، از دو دیدگاه به مسئله‌ی اصلی جهانی شدن می‌توان نگریست: دیدگاه مثبت که طرف‌داران جهانی شدن از آن سخن می‌گویند و همانندی فرهنگی جهانی را آرزو و آرمان خود قرار می‌دهند؛ و دیدگاه مخالف که حفظ هویت فرهنگی مردم را بسیار مهم می‌شمارد. ما می‌توانیم این دو دیدگاه را با دو اصطلاح سبک زندگی آنگلو-آمریکن و سبک زندگی مبتنی بر فرهنگ ملی نام ببریم.

جهانی شدن، آن‌طور که استرومکویت و مانکمن<sup>۳</sup> (۲۰۰۰، ص ۲۱-۶) می‌نویسند، پدیده‌ای است که جوانب‌گوناگون زندگی فرهنگی، اعم از نگرش جنسیتی (فمینیسم و ماسکولینیسم)، دانش، آموزش رسمی، آموزش عالی، مطالعات زنان، آموزش بزرگ‌سالان، و هویت و سبک زندگی مردم را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد. تغییراتی که جهانی شدن در زندگی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی مردم به بار می‌آورد، عمیقاً بر آموزش و پرورش و عناصر آن (دانش‌آموزان) تأثیر می‌گذارد. این تأثیر هم در تعریف آموزش و پرورش، هم در این‌که آموزش و پرورش در خدمت چه کسانی قرار می‌گیرد و هم در مورد چگونگی سنجش و ارزش‌یابی آموزش و پرورش مشاهده می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که آموزش و پرورش جهانی شده، هم در کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی و هم در کشورهای در حال توسعه، در خدمت طبقات اجتماعی-اقتصادی- فرهنگی خاصی قرار می‌گیرد.

جهانی شدن نه فقط بر اقتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه بر فرهنگ‌ها و نظام‌های آموزشی و هویت مردمان نیز تأثیر می‌گذارد. برنامه‌ریزی ثمربخش و نوآوری در آموزش و پرورش زمان ما، نمی‌تواند بدون توجه دقیق و عمیق به تأثیرات جهانی شدن در تعلیم و تربیت کشورها و ملت‌ها صورت گیرد. سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در

1 . Edwards &amp; Usher

2 . Green

3 . Stromquist &amp; Monkman



آموزش و پرورش نیازمند یافته‌های روشن پژوهشی درباره‌ی مفهوم جهانی شدن و چگونگی و میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم آن بر جوانب مختلف برنامه‌ها و کارکردهای آموزش و پرورش است. کارنوی (۱۹۹۱، ص ۹)، برخی از تأثیرات جهانی شدن در سال‌های اخیر بر آموزش و پرورش را در شش موضوع زیر خلاصه کرده است:

۱. تغییر در وضعیت نیروی انسانی مورد نیاز بازار کار که باید بتواند ارزش افزوده‌ی

بالاتری را تولید کند؛

۲. تقاضای منابع اضافی برای آموزش به منظور تأمین اهدافی که مغایر با توسعه‌ی

عمومی و بهبود زندگی مردم است؛

۳. نتایج ناشی از افزایش عدم تمرکز و خصوصی‌سازی اقتصادی و اجتماعی، که در

شمار مؤثرترین راهبردهای تضمین کیفیت و انعطاف‌پذیری منطبق بر اقتصاد

جهانی‌سازی است؛

۴. افزایش تصاعدی ابعاد بین‌المللی نظام‌های آموزشی؛

۵. گسترش روزافزون فناوری اطلاعات در حوزه‌ی آموزش و پرورش و سایر حوزه‌ها

برای گروه‌های معین اجتماعی در استفاده از آموزش‌های کامپیوتری و اینترنتی به عنوان

یک ابزار مهم جهانی‌سازی؛

۶. انتقال فرهنگ جوامع پیشرفته‌ی صنعتی به سایر کشورها که باعث تغییر معنا و

دگرگونی ارزش‌های فرهنگی و علمی در این کشورها شده است.

این تأثیرات، بدون شک، نقش بزرگی در تغییر برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی

دارد. خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و تجاری کردن مدیریت و امور مالی در تعلیم و

تربیت، تأثیر منفی و مخربی بر ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی و پرورشی برای همگان

به جای گذاشته است.

جدا از این تأثیرات، اشاعه‌ی معیارهای جهانی‌سازی باعث کم‌رنگ شدن تأثیر

فرهنگ‌های کهن در کشورهای غیرپیشرفته‌ی صنعتی شده است و برنامه‌ریزان آموزشی

و درسی باید راه‌های نوآورانه‌ای را برای تعامل مؤثر در جهان کنونی و حفاظت از

ارزش‌ها و هویت خود در برخورد با امواج عظیم فرهنگ بیگانه‌ی جهانی‌سازی کشف

کنند و به کارگیرند. نظام جهانی‌سازی به کشورهای در حال توسعه فشار وارد می‌کند که

از هزینه‌های دولتی در آموزش عمومی بکاهند و با تمرکززدایی و خصوصی‌سازی در

آموزش و پرورش، شرایط مطلوب اقتصاد سرمایه‌ای جهانی را گسترش دهند و از این

طریق دست‌بخش خصوصی را برای تعامل با نظام جهانی سازی بازتر بگذارند. ابزار کار اساسی در این نوع فرآیند آموزشی عبارت است از دامن‌زدن به رقابت‌های شدید بین مدارس خصوصی و مدارس دولتی و ایجاد این تصور در میان عامه‌ی مردم که مدارس خصوصی بر مدارس دولتی برتری دارد. ابزار کار دیگر در این فرآیند، مصرف بخش اعظم بودجه‌های آموزشی و پرورشی دولتی در بخش‌های اداری خارج از مدرسه و در هزینه‌های خارج از کلاس درس است که به فقر امکانات آموزشی و پرورشی در مدارس و پایین نگه‌داشتن سطح زندگی معلمان می‌انجامد.

کارنوی (۱۹۹۹، ص ۶۸) می‌نویسد: ایدئولوژی جهانی سازی (و مراکز مالی جهانی سازی، از قبیل: بانک جهانی، بانک آمریکایی توسعه، بانک آفریقایی توسعه، بانک آسیایی توسعه، و سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه OECD)، به طور آشکار و پنهان، تأکید می‌کنند که بخش دولتی نباید در مورد معلمان سرمایه‌گذاری کند یا دریافت‌های آنان را افزایش دهد؛ زیرا در این صورت هزینه‌ها و کیفیت آموزش و پرورش دولتی بالا خواهد رفت و خصوصی سازی تعلیم و تربیت دچار مشکل خواهد شد. واقعیت‌ها نشان می‌دهد که اقدامات خصوصی سازی تعلیم و تربیت، اساساً در خدمت نظام جهانی است و اجرای آنها در جریان کمک‌ها و وام‌های بین‌المللی بانک‌های متعلق به کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی به کشورهای در حال توسعه، به شکل‌های مختلف به نظام دولتی کشورهای در حال توسعه و آموزش و پرورش این کشورها تحمیل می‌شود.

چنین روش‌هایی به نوشته‌ی بن ونیسته<sup>۱</sup> (۱۹۹۹)، در کشورهای چو آرژانتین، شیلی، برزیل و اروگوئه به کار گرفته شده است و هم‌چنان ادامه دارد. مطالعات نشان می‌دهد که اعمال این سیاست‌ها باعث هضم و جذب هرچه بیشتر برنامه‌های آموزشی و درسی کشور در فرهنگ جهانی سازی می‌شود.

ابزار دیگری که مدارس و برنامه‌های آموزشی و درسی کشورهای در حال توسعه را در نظام جهانی سازی تعلیم و تربیت فرو می‌برد، آزمون‌های بین‌المللی و مقایسه‌ی یادگیری‌های دانش‌آموزان کشورهای مختلف بر اساس اهداف و محتوای آموزشی تعیین شده از سوی کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی است. آزمون‌هایی که در سال‌های اخیر

1 . Benveniste

توسط سازمان یونسکو در سیزده کشور آمریکای لاتین با عنوان اوریالک<sup>۱</sup> به اجرا در آمده و آزمون‌های بین‌المللی چون تیمز<sup>۲</sup> نیز، هدف مشابهی را دنبال کرده است. مسابقات بین‌المللی نیز که با عنوان المپیادهای علمی<sup>۳</sup> برگزار می‌شود، هم اطلاعات دقیقی از وضعیت علمی جوانان کشورهای در حال توسعه در اختیار تحلیل‌گران وزارت‌خانه‌های کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی قرار می‌دهد و هم شناسایی دقیقی از افرادی که اکثراً توسط آژانس‌های بین‌المللی جذب مغزها، به عناوین مختلف، به خدمت کشورهای پیشرفته درمی‌آیند، فراهم می‌کند.

ایستادگی در برابر این فشارها، وظیفه‌ی یک نظام ملی و مستقل و هشیار تعلیم و تربیت است؛ بنابراین، به جای افتادن در دام خصوصی‌سازی تعلیم و تربیت، می‌باید سرمایه‌گذاری بیشتری در آموزش و پرورش نیروی انسانی و در کیفیت برنامه‌ها و کارکردهای نظام آموزش و پرورش به عمل آید و همراه با بهره‌گیری درست از فرصت‌های علمی و صنعتی و ارتباطی بین‌المللی، با جوانب منفی فرهنگ جهانی‌سازی نیز مقابله گردد.

آن‌گونه که مارک راپرت<sup>۴</sup> (۲۰۰۲، ص ۱۵) می‌نویسد، اقلأ از دو جبهه‌ی اصلی با نظام جهانی‌سازی مقابله شده است: اول از سوی مردمان عادی کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی که جهانی‌سازی را عامل گرفتاری‌های اقتصادی و اجتماعی خود می‌دانند؛ و دوم از سوی مردمان کشورهای غیر پیشرفته‌ی صنعتی که نه فقط وضعیت اقتصادی و اجتماعی، بلکه هویت فرهنگی و دینی و ملی خود را نیز در خطر نابودی هجوم جهانی‌سازی می‌بینند.

مسلمأ تسلیم در مقابل پدیده‌ی جهانی‌شدن، موجبات تضعیف هرچه بیشتر هویت دینی و ملی ما را فراهم خواهد آورد. واکنش‌های انفعالی در مقابل پدیده‌ی جهانی‌شدن، باعث می‌شود که فرهنگ و هویت افراد و گروه‌ها تابع نظام جهانی‌سازی شود. این وضعیت به دو دلیل اتفاق می‌افتد: یکی آن‌که ما برای تقویت هویت دینی و ملی دانش‌آموزان خود برنامه‌ی دقیق و مؤثری نداشته باشیم و دوم آن‌که با سهل‌انگاری خود و باز گذاشتن راه‌های نفوذ طرز تفکر و روحیات و رفتارهای جهانی‌سازی در اندیشه و

1 . OREALC

2 . TIMSS

3 . OLYMPIAD

4 . Rupert, Mark

قلب کودکان و نوجوانان و جوانان، زمینه‌های گسترش نفوذ این پدیده را فراهم آوریم. اما پدیده‌ی جهانی‌سازی، واکنشی فعال و سنجیده برای مقابله با هجوم فرهنگ و سبک زندگی بیگانه و دفاع از هویت تاریخی و فرهنگی را نیز در بین مردم وفادار به مصالح دینی و ملی و نیز اندیشمندان و نخبگان کشور برمی‌انگیزد و راه‌های چگونگی حفاظت از مبانی و اصول و محتوا و روش زندگی دینی و ملی ایرانی را پیش روی ما می‌گشاید. با توجه به آنچه گفته شد، بررسی چگونگی نگرش نوجوانان و جوانان کشور به پدیده‌ی جهانی‌شدن و جهانی‌سازی حایز اهمیت اساسی است و مخصوصاً باید دید که چه رابطه‌ای بین هویت دینی و ملی و نگرش آنان به جهانی‌شدن وجود دارد. با چنین هدفی مقیاس‌های هویت دینی، هویت ملی، و نگرش به جهانی‌شدن را ساخته و درمورد دانش‌آموزان نوجوان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی اجرا کرده‌ایم.

### سنجش هویت دینی، هویت ملی و نگرش به جهانی‌شدن

به منظور شناخت هویت دینی و ملی و نگرش به جهانی‌شدن، ابزاری را که در سال ۱۳۸۱ برای همین مقصود ساخته و بر یک نمونه‌ی وسیع ملی از نوجوانان و جوانان سراسر ایران اجرا کرده بودیم، ابتدا در سال ۱۳۸۲ برای پژوهش دیگری بر یک نمونه‌ی وسیع دیگر از افراد نوجوان تا سال‌خورده‌ی هشت استان کشور و سپس برای استفاده در طرح پژوهشی بررسی نحوه‌ی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی‌شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان، مورد تجدید نظر قرار دادیم. مطالعات تعیین‌روایی عاملی و پایایی ابزار نهایی تحقیق، پس از جمع‌آوری داده‌ها از یک نمونه‌ی ۴۸۰۰ نفری (از کل کشور که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای و از دبیرستان‌های پسرانه و دخترانه و پیش‌دانشگاهی در استان‌های تهران و مرکزی و یزد و چهارمحال بختیاری و خراسان و مازندران به دست آمده بود) برای مقیاس‌ها و خرده‌مقیاس‌های هویت دینی، هویت ملی و نگرش به جهانی‌شدن انجام گرفت. علاوه بر تحلیل عاملی برای کسب اطمینان از روایی سازه‌ی مقیاس، روش شناخته‌شده‌ی محاسبه‌ی پایایی (از نوع Crobach Alpha) برای تعیین ضریب پایایی نیز مورد استفاده قرار گرفت و میانگین مقادیر پایایی با روش مذکور برای هر مقیاس و برای هر یک از خرده‌مقیاس‌های مورد مطالعه در تحقیق به دست آمد. جدول ۲ میزان پایایی هر یک از مقیاس‌ها و خرده‌مقیاس‌های مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۲- مقادیر پایایی برای مقیاس‌ها و خرده‌مقیاس‌های هویت دینی، هویت ملی، و جهانی شدن

خرده‌مقیاس‌ها					مقیاس‌ها
هویت اخلاقی	هویت	هویت	هویت	هویت	هویت دینی
۰/۸۱	سهل‌انگارانه‌ی دینی	سخت‌گیرانه‌ی دینی	علم‌کردی دینی	اعتقادی دینی	۰/۸۱
	۰/۷۳	۰/۷۹	۰/۸۳	۰/۸۸	
هویت دفاع از سرزمین			ایران دوستی		هویت ملی
۰/۸۸			۰/۸۴		۰/۸۶
جهانی‌نگری و ایران‌گرایی	مقابله با جهانی‌شدن		پذیرش جهانی‌سازی		نگرش به جهانی‌شدن
۰/۸۱	۰/۸۰		۰/۷۶		۰/۷۹

در تحلیل عاملی داده‌ها نیز، که برای تعیین قابلیت سؤالات مقیاس‌ها و خرده‌مقیاس‌ها مورد استفاده قرار گرفت، آزمون KMO انجام شد که ضریب به دست آمده در سطحی بالا و کاملاً رضایت‌بخش بود ( $KMO=0.736$ )؛ هم‌چنین آزمون کرویت بارتلت در سطح  $P<0.0001$  معنادار بود ( $x^2=6543.21$ )؛ علاوه بر این، در تحلیل عاملی مورد بحث، از روش مؤلفه‌های اصلی و بارهای عاملی 0.50 برای حداقل همبستگی قابل قبول میان هر ارزش و عامل استخراج شده استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که خرده‌مقیاس‌های مربوط به هر مقیاس به عنوان عوامل قوی معنادار با ارزش ویژه‌ی بالاتر از ۱ (و با استخراج مؤلفه‌های اصلی با قدرت تبیین ۶۸/۴ درصد واریانس کلی) در ابزار سنجشی ما وجود دارد.

پرسش‌نامه‌ی مقیاس سنجش هویت دینی، هویت ملی، و نگرش به جهانی‌شدن، حاوی ۸۴ سؤال است که ۴۱ سؤال آن مربوط به جهانی‌شدن (شامل سه خرده‌مقیاس)، ۲۸ سؤال مربوط به هویت دینی و اخلاقی (شامل چهار خرده‌مقیاس) و ۱۵ سؤال مربوط به هویت ملی (شامل دو خرده‌مقیاس) است. سؤالات هریک از سه مقیاس پرسش‌نامه‌ی مذکور به صورت در هم ریخته (نه به صورتی که در ذیل ارائه شده است) در اختیار آزمودنی‌ها قرار می‌گیرد و از آنان خواسته می‌شود که پاسخ هر سؤال را در یک

مقیاس شش درجه‌ای، از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف، علامت بزنند. در دستورالعمل آزمون، به آزمودنی‌ها یادآوری می‌شود که چون محتوای برخی سؤالات به صورت منفی و برخی دیگر به صورت مثبت است، دقت کنند که نظر موافق یا مخالف خود به هر سؤال را با توجه به محتوای آن سؤال مشخص کنند. حالت منظم سؤالات که نشان‌دهنده‌ی خرده‌مقیاس‌های هر مقیاس است ضمیمه شده است.

#### ضمیمه

پرسش‌نامه‌ی مقیاس سنجش هویت دینی، هویت ملی، و نگرش به جهانی شدن

#### ۱- مقیاس هویت دینی

الف) خرده‌مقیاس هویت اعتقادی دینی

۱. خداوند، که خالق یکتای هستی است، ناظر اعمال ماست و کارهای نیک و بد ما را می‌بیند.

۲. خداوند پیامبران را برای هدایت ما فرستاده است و باید آموزش‌های آنان را، که وحی الهی است، راه‌نمای عمل خود قرار دهیم.

۳. من معتقدم که هر کس نتیجه‌ی تمام اعمال خود را در آخرت خواهد دید.

۴. من فکر می‌کنم امور جهان بر عدالت استوار است و خداوند نسبت به بندگان خود عادلانه حکم می‌کند.

۵. من پیروی از امامان دین را وظیفه‌ی شرعی خود می‌دانم.

ب) خرده‌مقیاس هویت عملکردی دینی

۶. همه روزه نماز را می‌خوانم.

۷. معمولاً موفق نمی‌شوم در ماه رمضان روزه بگیرم.

۸. وقتی که ما به دولت مالیات می‌دهیم، دادن خمس و زکات ضرورتی ندارد.

۹. من در اولین فرصتی که استطاعت مالی برای زیارت خانه‌ی خدا پیدا کنم، به حج خواهم رفت.

۱۰. اگر فرمان جهاد علیه کفار متجاوز داده شود، من در جهاد شرکت می‌کنم.

۱۱. معمولاً در اجرای وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر کوششی نمی‌کنم.

ج) خرده‌مقیاس هویت سخت‌گیرانه‌ی دینی

۱۲. اجرای آداب و رسوم دینی دارای اهمیت درجه‌ی اول است و اعتقادات قلبی

- دینی، بدون انجام آداب و رسوم دینی، ارزشی ندارد.
۱۳. برای آن‌که نوجوانان و جوانان دچار خطاهای مغایر با موازین دینی نشوند، باید مدام تحت کنترل باشند و لازم است آزادی‌های آنان را کاملاً محدود کنیم.
۱۴. به نظر من، خواندن نماز ظهر در مدرسه، برای دانش‌آموزان دبیرستانی، باید اجباری باشد.
۱۵. به هیچ‌وجه حاضر نیستم با کسانی که تکالیف دینی را انجام نمی‌دهند ارتباط داشته باشم.
۱۶. نوجوانان و جوانان و همه‌ی مردم باید در امور مذهبی تابع مراجع دینی باشند، نه این‌که شخصاً راهی را که خودشان تشخیص می‌دهند در پیش گیرند.
- (د) خرده‌مقیاس هویت سهل‌انگارانه‌ی دینی
۱۷. پای‌بندی به اخلاقیات می‌تواند انسان را از دین بی‌نیاز کند.
۱۸. با پیشرفت علم نیاز چندانی به اعتقادات دینی نیست.
۱۹. به نظر من، از وقتی که اعراب به ایران آمدند، شوکت و اعتبار ایرانیان از بین رفت.
۲۰. آداب و سنن مذهبی باعث عقب‌ماندگی کشور ما شده است.
۲۱. تعیین تکلیف برای چگونگی لباس پوشیدن و وضع ظاهر مردم، کار درستی نیست و مخصوصاً در تابستان که هوا خیلی گرم است، نباید نسبت به پوشش بانوان سخت‌گیری شود.
- (ه) خرده‌مقیاس هویت اخلاقی
۲۲. اگر در اداره‌ای کار کنم که بودجه‌ی محدودی برای پاداش دادن به افرادی که کار خود را خوب انجام می‌دهند معین شده و نام مرا هم اشتباهاً، بدون آن‌که کار مهمی انجام داده باشم، در فهرست پاداش‌گیرندگان نوشته باشند، از گرفتن آن پاداش خوشحال خواهم شد.
۲۳. اگر کار واجبی داشته باشم و ناچار باشم به سرعت رانندگی کنم و در نتیجه، به ماشینی که در کنار خیابان پارک شده برخورد کنم، لزومی نمی‌بینم کارم را رها کنم و به دنبال صاحب ماشین بگردم تا به او خسارت بدهم.
۲۴. اگر در یک فروشگاه بزرگ که محل فروش اجناس گران‌قیمت است، کارمند صندوق اشتباهاً جنسی را که پانزده هزار تومان قیمت دارد، با من هزار و پانصد تومان

- حساب کند، خوشحال می‌شوم.
۲۵. اگر در خیابان تصادفاً به شخصی برخورد کنم که یک تلویزیون رنگی نو را که پانصد هزار تومان قیمت دارد، حاضر است به پنجاه هزار تومان به من بفروشد، خوشحال می‌شوم که آن را از او بخرم.
۲۶. کسانی که در این دوره و زمانه دنبال «نان حلال» می‌روند، آدم‌های ساده‌لوحی هستند که کلاهشان پس معرکه است.
۲۷. اگر بینم که مردی فرزند خود را در خیابان کتک می‌زند اعتنایی نمی‌کنم و بدون آن‌که ناراحت شوم دنبال کار خود می‌روم.
۲۸. وقتی می‌بینم برخی افراد محروم در گوشه و کنار شهر سر در گریبان خود فرو برده‌اند، احساس می‌کنم که «خلاق هر چه لایق».

## ۲- مقیاس هویت ملی

### الف) خرده‌مقیاس ایران دوستی

۲۹. در هر جای دنیا که باشم، به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنم.
۳۰. به نظر من، خانواده‌های ایرانی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند، لازم نیست به زبان فارسی صحبت کنند.
۳۱. علاقه‌ی من به کشورم، به عملکرد حکومت‌ها بستگی ندارد و در همه حال ایران را دوست دارم.
۳۲. فرهنگ و تمدن ایرانی، در مقایسه با سایر تمدن‌ها، حرف‌های مهمی برای گفتن دارد.
۳۳. به عرفان و ادبیات و اشعار فارسی علاقه‌ای ندارم.
۳۴. انسان‌هایی چون مولانا و حافظ و فردوسی از برجسته‌ترین پشتوانه‌های ارزشمند فرهنگ ملی ما هستند.
۳۵. دل‌بستگی به گذشته‌ی فرهنگی و ادبی ایران باعث دوام و بقای کشور ما می‌شود.
۳۶. جشن ملی نوروز برای من ارزش خاصی دارد و آن را دوست دارم.
۳۷. من موسیقی غربی را بیشتر از موسیقی اصیل ایرانی دوست دارم.
- ب) خرده‌مقیاس هویت دفاع از سرزمین



۳۸. در هیچ شرایطی نباید اجازه داد که بیگانگان در امور کشور ما دخالت کنند.
۳۹. من به عنوان یک ایرانی اجازه نمی‌دهم یک وجب از خاک کشورم به دست بیگانگان بیفتد.
۴۰. ما باید از نظر نظامی و سیاسی چنان قوی باشیم که کسی جرأت حمله به کشور ما را نداشته باشد.
۴۱. حمله‌ی آمریکا و انگلیس به عراق نشان داد که این کشورها به حق حاکمیت ملت‌ها و به جامعه‌ی جهانی و به حقوق مردم عراق اعتنایی ندارند و این قدرت‌ها خطری واقعاً جدی برای کشور ما نیز هستند.
۴۲. درس بزرگی که از حمله‌ی آمریکا و انگلیس به عراق می‌توان گرفت این است که ما باید در تمام زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و نظامی و اقتصادی و علمی و صنعتی، خود را بایبشترین سرعت ممکن به عالی‌ترین سطوح پیشرفت و اقتدار برسانیم.
۴۳. اگر خدای نخواستہ مجدداً جنگی بر کشور تحمیل شود، مردم و جوانان ایران با جان و دل از کشور دفاع خواهند کرد.

### ۳- مقیاس نگرش به جهانی شدن

الف) خرده‌مقیاس پذیرش جهانی سازی

۴۴. سخن درست آن است که عصر حاضر، پایان تاریخ و دوره‌ی جنگ تمدن‌ها و عصر اقتدار جهانی آمریکا و تمدن غربی است.
۴۵. ما باید بپذیریم که حاکمیت جهانی غرب جای حاکمیت‌های مستقل ملی را می‌گیرد، اقتدار ملی تضعیف می‌شود و وظایف و اقتدار دولت‌ها به بازار آزاد جهانی انتقال می‌یابد.
۴۶. به نظر من، تمدن غربی عالی‌ترین سطح رشد بشری است و مردم دیگر کشورها باید زندگی خود را بر اساس ویژگی‌های آن سامان دهند.
۴۷. پدیده‌ی «جهانی شدن» یک واقعیت قاهر است که نمی‌توان و نباید با آن مقابله کرد.
۴۸. «جهانی شدن» امری است که به طور طبیعی اتفاق می‌افتد و نمی‌توان آن را تحمیل اهداف و برنامه‌ها و عملکردهای قدرت‌های مسلط جهانی بر سایر کشورها دانست.

۴۹. این‌که اقتصاد جهانی و بازارهای جهانی در حال حاضر عمدتاً در اختیار شرکت‌های چند ملیتی غربی است، واقعیتی است که جای نگرانی ندارد.
۵۰. نظم نوین جهانی و پدیده‌ی جهانی شدن در راستای تسلط بنگاه‌های اقتصادی - سیاسی غربی بر منابع اقتصادی جهان و بر منابع انسانی سرآمد جهانی و بین‌المللی شدن نیروی کار گسترش می‌یابد و ما نمی‌توانیم با آن مقابله کنیم.
۵۱. به نظر من، در یک نگاه درازمدت، جای نگرانی نیست که می‌بینیم جهانی شدن در پی کنار زدن باورها و اندیشه‌های دینی و ملی ما در اداره‌ی امور کشور است و «سکولاریسم یا جدایی دین و فرهنگ ملی از حکومت و دولت» جای‌گزین روش‌های قدیمی می‌شود.
۵۲. نظم نوین جهانی که تغییر مفهوم قلمروهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و از بین بردن محدوده‌های جغرافیایی را هدف خود قرار داده است، باعث نزدیک شدن مردم کشورها به یکدیگر می‌شود.
۵۳. آزادسازی و مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی در امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، که از جمله اهداف جهانی شدن است، موجب پیشرفت و توسعه‌ی کشورهای در حال رشد می‌شود.
۵۴. من نسبت به پدیده‌ی «جهانی شدن» (که به معنای پذیرش فلسفه و سبک زندگی فردگرایانه و نسبی‌گرایانه و عمل‌گرایانه‌ی غربی توسط مردم سایر کشورها، قبول لیبرال - دموکراسی غربی در حاکمیت همه‌ی کشورها و به عضویت درآوردن همه‌ی کشورها در پیمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی است)، نظر مساعدی دارم.
۵۵. مسائلی چون حقوق بشر جهانی، برابری زن و مرد و مسائل جنسیتی جهانی، که در رسانه‌های غربی تبلیغ می‌شود، باعث رشد ذهنی مردم می‌گردد.
۵۶. جذب افراد سرآمد و مهاجرت نخبگان از کشورهای دیگر به کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی که طبق برنامه‌های جهانی شدن صورت می‌گیرد، زمینه‌های رشد افراد هوشمند و برجسته را فراهم می‌آورد.
۵۷. جهانی شدن پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است و اگر ایران می‌خواهد پیشرفت کند باید به این روند بیوندد.
- ب) خرده‌مقیاس مقابله با جهانی شدن
۵۸. از آن‌جا که کشورهای غربی همواره دشمنی خود را با کشور ما نشان داده‌اند،

نظر من آن است که ما باید به طور کامل در مقابل قدرت‌های مسلط جهانی ایستادگی و از ایجاد روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای غربی صرف نظر کنیم.

۵۹. کسانی که می‌پندارند هم می‌توان با فرهنگ و تمدن غربی رابطه داشت و هم می‌توان هویت دینی و ملی ایرانی را حفظ کرد اشتباه بزرگی می‌کنند.

۶۰. به نظر من، آنچه در رسانه‌ها و تبلیغات غربی (شامل بخش بزرگی از صفحات اینترنت و کانال‌های ماهواره‌ای، فیلم‌ها و آثار هنری غربی، سازمان‌ها و مراکز فرهنگی و اجتماعی جهانی و مانند این‌ها) ارائه می‌شود، در خدمت سیاست‌های جهانی شدن و فراگیر کردن فرهنگ و سبک زندگی غربی است و ما باید با آنها مقابله کنیم.

۶۱. آنچه غربیان در پی آن هستند این است که کشورهای دیگر در چرخه‌ی سیاست و اقتصاد لیبرال - دموکراسی غربی قرار گیرند و این دنباله‌روی را جهانی شدن کشورها نامیده‌اند. مصلحت ما آن است که، حتی به قیمت قطع روابط خود با کشورهای غربی، به هیچ‌وجه تسلیم نشویم.

۶۲. تجربه نشان می‌دهد که آمریکا برای آقایی کردن بر جهان، هر روز به ترفندی متوسل می‌شود و اکنون سیاست جهانی شدن را برای استعمار نوین خود طرح کرده است.

۶۳. هویت ملی فرهنگ دینی ما ایرانیان، از گذشته تا به حال، از یکدیگر جدایی‌ناپذیر بوده و اگر بخواهیم کشور خود را حفظ کنیم، نباید فرهنگ دینی را از هویت سیاسی و اجتماعی خود جدا کنیم.

۶۴. جدا کردن دین از سیاست در کشور ما، توطئه و ترفندی است که اساساً قدرت‌های مسلط جهانی برای تسلط بر کشور ما و سایر کشورهای اسلامی طراحی کرده‌اند.

۶۵. ما اگر واقعاً به فرهنگ و هویت دینی و ملی خود تکیه کنیم، توان ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌های خلق را داریم و می‌توانیم حیثیت و اقتدار خود را در جهان معاصر نشان دهیم.

۶۶. طرح مسائلی چون رعایت حقوق بشر و مبارزه با تروریسم از جانب آمریکا و یارانش، اساساً بهانه‌ای برای دخالت در امور کشورهای دیگر است.

۶۷. من به عنوان یک ایرانی، به سیاست‌های جهانی شدن که توسط آمریکا و یارانش طرح می‌شود اعتماد ندارم.

۶۸. آمریکا و انگلیس و یاران‌شان نه تنها خواهان استقلال و آزادی و پیشرفت ما نیستند، بلکه مدام در پی آن هستند که بهانه‌ای برای دخالت در امور کشور ما و حتی تجاوز به سرزمین ما، پیدا کنند.

۶۹. هدف اصلی از جهانی شدن که آمریکا و یارانش مطرح می‌کنند، وابسته کردن کشورها به دنیای استکبار است.

۷۰. آن دسته از کشورهای غربی که اختلافاتی با آمریکا و انگلیس نیز دارند، در واقع خواهان استقلال و آزادی و پیشرفت کشورها نیستند، بلکه صرفاً در پی منافع خودشان هستند.

۷۱. برای دولت‌های غربی، اسلام یک خطر جدی است که منافع و نقشه‌های درازمدت آنان برای تسلط بر جهان را تهدید می‌کند و، به همین جهت، به بهانه‌های گوناگون (عدم رعایت حقوق بشر، مخالفت با سیاست‌های آمریکا، و مانند این‌ها) با جمهوری اسلامی ایران دشمنی می‌کنند.

(ج) خرده‌مقیاس جهانی‌نگری و ایران‌گرایی

۷۲. به نظر من آموزش پرورش و دیگر مراکز فرهنگی باید آمادگی‌های لازم را در دانش‌آموزان ایجاد کنند تا آنان، ضمن اعتقاد و پای‌بندی عملی به فرهنگ دینی و ملی، نگرش روشنی نسبت به واقعیت‌های جهانی در عصر حاضر داشته باشند.

۷۳. نظر من آن است که مردم هر یک از کشورها فرهنگ و هویت اعتقادی و ملی و نظام ارزشی خاص خود را دارند و قدرت‌های جهانی حق ندارند، به روش‌های مستقیم و غیرمستقیم، فرهنگ و سبک زندگی خود را به دیگران تحمیل کنند.

۷۴. مردم کشور ما، در عین حال که عضوی از جامعه‌ی خود هستند، بخشی جدایی‌ناپذیر از جهان بشری و مناسبات جهانی نیز به شمار می‌آیند و به همین جهت باید نسبت به پدیده‌ی «جهانی شدن» نیز حساسیت لازم را نشان دهند تا قدرت‌های اقتصادی و سیاسی جهانی آنان را غافل‌گیر نکنند و استقلال و تمامیت کشور در خطر نیفتد.

۷۵. تسلیم‌پذیری درمقابل پدیده‌ی «جهانی شدن» و پذیرش راه و رسم اداره‌ی امور کشور، به گونه‌ای که مورد قبول قدرت‌های مسلط جهانی باشد، در واقع به معنای فدا کردن فرهنگ و هویت و استقلال ملی در پای منافع قدرت‌های جهانی است.

۷۶. اگر بخواهیم خود را از دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم جدا نماییم و نقش فعالی

در سرنوشت خود در این جهان ایفا نکنیم، به جای حفاظت از هویت فرهنگی و دینی و ملی، تدریجاً قدرت زندگی در جهان معاصر را نخواهیم داشت و مصالح ملی ما نیز در مخاطره‌ی جدی خواهد بود.

۷۷. برای آن‌که بتوانیم در کشاکش «جهانی شدن» و فشارهای بین‌المللی جایگاه واقعی خود را به دست آوریم، باید با اتکا به خود، تلاش عظیمی را در راه پیشرفت علمی، صنعتی، اقتصادی و اجتماعی کشور به عمل آوریم.

۷۸. تکیه بر هستی تاریخی و فرهنگی و دینی و ملی ایران ما، نه تنها مغایرتی با زندگی در جهان معاصر ندارد، بلکه لازمه‌ی حیات انسانی و بین‌المللی ما نیز هست.

۷۹. فرهنگ و هویت ملی، پسندیده‌ترین قدرت در میان مردم کشورهاست و کسانی که توجه کافی به این امر ندارند، باعث از خود بیگانگی و احساس حقارت و مرعوب شدن در مقابل فرهنگ مسلط غربی می‌شوند.

۸۰. اگر «جهانی شدن» در راستایی باشد که همه‌ی کشورها و ملت‌ها دارای حقوق مساوی باشند و احترام متقابل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در میان ملت‌ها حاکم باشد، هیچ مانعی ندارد که کشور ما نیز به جریان جهانی شدن بپیوندد.

۸۱. کشورهای غربی استقلال زنان از مردان را مهم‌ترین مسئله‌ی زنان می‌دانند و چنان‌که باید، به نقش مادری و همسری زنان اهمیتی نمی‌دهند. این امر نه تنها باعث رشد هویت و شخصیت زنان نمی‌شود، بلکه باعث فساد و تباهی اخلاقی زنان و تزلزل کیان خانواده نیز می‌گردد.

۸۲. ما به برکت انقلاب اسلامی از وابستگی به غرب درآمدم و انقلاب ما باعث کوتاه شدن دست بیگانگان از کشور و موجب سر بلندی نام ایران در جهان شده است.

۸۳. کسانی که توجه بیش از حد به تجدد نشان می‌دهند، در واقع با سنت‌های دینی و ملی ما مخالف‌اند.

۸۴. ما اگر بخواهیم واقعاً پیشرفت کنیم، باید مسیر خود را از جنبه‌های تحمیلی فرهنگ و تمدن غرب جدا کنیم و راهی را برویم که هم استقلال و هویت دینی و ملی و فرهنگی خود را حفظ کنیم و هم روابط مبتنی بر احترام متقابل با سایر کشورها داشته باشیم.

## منابع و مأخذ

- پورزکی، گیتی (۱۳۷۹). «مدرنیته و میرزا فتحعلی‌خان آخوندزاده». نامه پژوهش، شماره ۲۲ و ۲۳.
- خواجه سروی، غلامرضا، (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لطف‌آبادی، حسین، (۱۳۸۰، الف). رشد اخلاقی، ارزشی، و دینی در نوجوانی و جوانی. تهران، انتشارات شایک.
- لطف‌آبادی، حسین، (۱۳۸۱، ۱۳۸۲). وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران. ج ۱ و ۲. تهران، انتشارات سازمان ملی جوانان.
- لطف‌آبادی، حسین و وحیده نوروزی، (۱۳۸۳). «نظریه‌پردازی و مقیاس‌سازی برای سنجش نظام ارزشی دانش‌آموزان نوجوان ایران». فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی نوآوری‌های آموزشی. ش ۷.
- معظم‌پور، اسماعیل، (۱۳۸۰). «هویت فرهنگی در عصر رضاشاه». نامه پژوهش، ش ۲۲ و ۲۳.
- Benveniste, L. (1999). The politics of educational reforms in the Southern Cone. Ph. D. dissertation, School of Education, Stanford University, USA.
- Carnoy, M. (1999). Globalization and educational reform. Paris. UNESCO. International Institute for Educational Planning.
- Carnoy, Martin (1999). Globalization and educational reform: What planners need to know. Paris. UNESCO: International Institute for Educational Planning.
- Edwards, R. & Usher, R. (1997). Final frontiers? Globalization, pedagogy, and (dis)location. *Curriculum Studies*, 5 (3): 253-268.
- Green, A. (1997). Education, Globalization and the nation state. London: McMillan.
- Rupert, Mark (2002): Ideologies of globalization: Contending visions of a new world order. New York: Routledge.
- Stromquist, Nally, P., & Monkman, Karen, Eds. (2000). Oxford (England): Globalization and Education: Integration and contestation across cultures. Rowman & Littlefield Publishers.